

گورباچف

به مرضیه دباغ چه گفت؟

دیدم اگر تو ذوق گورباچف بزمن خیلی بد است، از این رو وقتی او دستش را دراز کرد من چادر را روی دستم انداختم و به او دست دادم. این برخورد برای رهبری امپراتوری شرق خیلی سخت و گران آمد. سعی کرد به روی خود نیابورد و گفت: «من دستم را برای دست دادن دراز نکردم، بلکه دستم را به سوی این مادر انقلاب دراز کردم که بگویم ما همسایه‌های خوبی هستیم، ما دست بی‌اسلحه‌امان را به سوی شما دراز می‌کنیم، شما هم مردهای تان را تشویق کنید که دست بدون سلاح‌شان را به سوی ما دراز کنند».

گورباچف بزمن خیلی بد است، از این رو وقتی او دستش را دراز کرد من چادر را روی دستم انداختم و به او دست دادم. این برخورد برای رهبری امپراتوری شرق خیلی سخت و گران آمد. سعی کرد به روی خود نیابورد و گفت: «من دستم را برای دست دادن دراز نکردم، بلکه دستم را به سوی این مادر انقلاب دراز کردم که بگویم ما همسایه‌های خوبی هستیم، ما دست بی‌اسلحه‌امان را به سوی شما دراز می‌کنیم، شما هم مردهای تان را تشویق کنید که دست بدون سلاح‌شان را به سوی ما دراز کنند».

مرضیه حدیده‌چی (دباغ) // خاطرات محسن کاظمی
انتشارات سوره مهر – صفحه ۲۵۸

عشق‌های مبتذل و عشق‌های بزرگ

در زندگی چیزی که دوست داریم مهم نیست، خود دوست داشتن مهم است. حسی که مادام دوسوینیه به دخترش داشته‌می‌تواند بحق، خیلی بیشتر از نوع عشقی قلمداد شود که راسین در راندروماک یا فدر توصیف کرده، تا روابط پیش با افتاده‌ای که آقای سووینیه در جوانی با معشوقه‌هایش داشته همین‌طور است عشقی که یک عارف به خدا خودش دارد. مرزهای بیش از اندازه تنگی که ما عشق را در آن محصور می‌کنیم فقط ناشی از جهل عظیم ما نسبت به زندگی است.

مارسل پروست
در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته
مهدی سجایی
نشر مرکز – جلد دوم، صفحات ۴۲۱ و ۴۲۲

عذر خواه مثل زین‌الدین!

آدم، هر قدر بزرگ‌تر باشد و مقامش بالاتر برود، عذرخواهی کردن و شکستن خودش پیش بقیه، برایش سخت‌تر می‌شود ولی مهدی اشهید مهدی زین‌الدین! اگر جایی پیش می‌آمد که می‌بایست عذرخواهی می‌کرد، یک لحظه هم تردید نمی‌کرد. نه پست و مقامش برایش مهم بود، نه اعتباری که پیش بچه‌ها داشت.

زهراسادات حسینی قله‌های معنویت
[سیری در سیره فرماندهان دفاع مقدس]
بنیاد فرهنگی شهید شیرازی
صفحات ۲۷۵ و ۲۷۶

خانواده و قدرت انقلاب...

آن جامعه‌گرای بزرگ، یقیناً اشتباه می‌کرد که می‌گفت: «خانواده از قدرت انقلابی فرد می‌کاهد.» آخر چرا بکاهد؟

عشق به محبوب، مثل عشق به فرزند، مثل عشق به خانواده، مثل عشق به وطن، مثل عشق به انسان، مثل عشق به آرمان، به اندیشه، به عشق، به طبیعت، به خدا، مثل هر عشق بی‌آلایش دیگر، یک نیروست؛ یک نیروی عظیم علیه ظلم و شقاوت. بیازمای! کاری ندارد که: اول، عاشق شو! آنگاه ببین آیا بز دل هم می‌شوی؟ خائن هم می‌شوی؟ ردل هم می‌شوی؟ نه...

آنچه انسان را از خوب بودن بازمی‌دارد عشق نیست، بذل عشق است، یا چیزی که با همین کلمه بیان می‌شود اما هیچ نسبیتی با نفس عشق ندارد.

نادر ابراهیمی / آتش بدون دود
انتشارات روزبهان – صفحه ۱۲۳

جهانی شدن سیاست‌های ملی آفت است

شاید بتوان گفت مهم‌ترین و عمده‌ترین مشخصه فرآیند جاری جهانی شدن، عبارت از جهانی شدن سیاست‌های ملی و سازوکارهای تصمیم‌گیری است. سیاست‌های ملی شامل حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری که تا به امروز در صلاحیت و نظارت دولتها و بخش خصوصی آن کشور بود، اکنون به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر و نفوذ روندها، نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های بزرگ خصوصی و بازیگران اقتصادی ملی قرار گرفته است. این امر به تضعیف حاکمیت ملی منجر شده و توانایی حکومت‌ها و مردم در انتخاب گزینه‌های سیاست‌های مستقل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با محدودیت مواجه کرده است. بیشتر کشورها را از خوب بودن بازمی‌دارد عشق نیست، بذل عشق است، یا چیزی که با همین کلمه بیان می‌شود اما هیچ نسبیتی با نفس عشق ندارد.

نادر ابراهیمی / آتش بدون دود
انتشارات روزبهان – صفحه ۱۲۳

پایان خوش...

در انتهای غم همیشه در پیچه‌ای باز است در پیچه‌ای روشن

یل الوار

حضرت امام صادق (ع):

آن کس که هنگام خنم، طمع، ترس و خواهش ففس، خویشتندار باشد، خدا بدینش را بر آتش حرام می‌کند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا شکیبایی
سر دبیر: سید عابدین نورالدینی

گفت‌وگوی «وطن امروز» با فرزانه مردی، محقق کتاب «هم‌سفر آتش و برف» که بزودی از تقریظ رهبر انقلاب بر آن رونمایی می‌شود

پیشمرگ فرشته‌ها

فجر سال گذشته یکی از فیلم‌های پرترس‌های که به نمایش درآمد، مربوط به عملیاتی بود که پس از جنگ ۸ ساله، شهید سعید قهاری در مقابله با گروهک‌های تروریستی غرب کشور انجام داده است. نام این سردار سپاه پاسداران را تا آن روز افراد کمتری شنیده بودندو فیلم «پیشمرگ» که برگزیده تماشاگران آن دوره هم شده، نخستین رویارویی عمومی‌تر و گسترده با چنین نامی

فجر سال گذشته یکی از فیلم‌های پرترس‌های که به نمایش درآمد، مربوط به عملیاتی بود که پس از جنگ ۸ ساله، شهید سعید قهاری در مقابله با گروهک‌های تروریستی غرب کشور انجام داده است. نام این سردار سپاه پاسداران را تا آن روز افراد کمتری شنیده بودندو فیلم «پیشمرگ» که برگزیده تماشاگران آن دوره هم شده، نخستین رویارویی عمومی‌تر و گسترده با چنین نامی

■ **چه چیزی شما را به تحقیق درباره روایت زندگی مشترک فرحناز رسولی و سعید قهاری سوق داد و چرا این روایت را برای مخاطب فرهنگی امروز مهم دانستید؟**
انگیزه اصلی من برای تحقیق درباره زندگی مشترک فرحناز رسولی و سعید قهاری، اشتیاق خود خاتم رسولی برای معرفی همسرشان، شهید سعید قهاری بود. ایشان معتقد بود این شهید مظلوم واقع شده و نامش کمتر شنیده شده است. من از سال ۱۳۷۶ در حوزه دفاع‌مقدس تحقیق می‌کردم اما نام این شهید را نشنیده بودم. وقتی از فعالیت‌های برجسته او و نقش پررنگ همسرش در زندگی‌شان آگاه شدم، این زندگی برایم جذابیت پیدا کرد. ۳۰ سال زندگی مشترک با یک نظامی که هر روز با خطر و احتمال بازگشت‌ناپذیری همراه است، تجربه‌ای ملموس و متفاوت از زندگی‌های عادی است. این زندگی پر از اضطراب، استرس و اخبار ناگوار بود اما همین ویژگی‌ها مرا به کوشش بیشتر در زندگی مشترک این زوج ترغیب کرد. این روایت از سال ۱۳۹۰ با قرارهای منظم با خاتم رسولی و شنیدن خاطرات‌شان آغاز شد. اهمیت این روایت برای مخاطب امروز در ملموس بودن آن است؛ زندگی‌ای که نشان می‌دهد چگونه می‌توان در شرایط سخت، همراهی و استقامت را حفظ کرد.

■ **سراغ چه نوع منابع و شخصیت‌هایی برای تدوین کتاب رفتید و چگونه اطلاعات موجود را برای روایت شدن در کتاب گزینش می‌کردید؟**
از آنجا که شهید سعید قهاری فرمانده بود، طبیعی است که با افراد و محیط‌های مختلفی در ارتباط بوده است اما در این کتاب، ما تصمیم گرفتیم روایت را از نگاه همسرش، خاتم فرحناز رسولی ارائه دهیم. برخلاف کتاب‌های دیگر که با دوستان شهید صاحب شده، این کتاب صرفا بر خاطرات خاتم رسولی متمرکز است. ما ساعت‌ها پای صحبت‌های ایشان نشستم. اطلاعاتی که ارائه می‌داد، شامل خاطراتی بود که شهید در خانه تعریف می‌کرد، عکس‌هایی که در آلبوم خانوادگی بود، نامه‌هایی که رد و بدل شده بود و جزئیات زندگی خانوادگی از نگاه ایشان. گزینش اطلاعات نیز بر اساس تمرکز بر مسائل خانوادگی و زندگی روزمره بود تا روایتی صمیمی و نزدیک به تجربه زیسته خاتم رسولی ارائه شود.

■ **عنوان «هم‌سفر آتش و برف» چه مفهومی را منتقل می‌کند و چگونه این عنوان بازتاب‌دهنده فرهنگ همسری و همراهی در شرایط سخت است؟**

عنوان «هم‌سفر آتش و برف» توسط نویسنده محترم آقای فرهاد خضری انتخاب شد و به نظرم انتخاب بسیار مناسبی بود. آتش نماد سختی‌ها، جنگ و چالش‌هایی است که یک مرد نظامی مانند سعید قهاری با آن مواجه است اما برف که آتش را خاموش می‌کند، آرامش و حمایت همسر است. فرحناز رسولی در ۳۰ سال زندگی مشترک، فضایی آرام و امن برای همسرش فراهم کرد. او در کنار فرزندان، خانه‌ای ساخت که پناهگاه سعید در برابر خستگی‌ها و سختی‌های بیرونی بود. این عنوان نشان‌دهنده همراهی بی‌قید و شرط همسری است که در مناطق سخت و ناامن، حتی در حضور ضد انقلاب، کنار همسرش ایستاد. او با صبر و استقامت، نشان داد خانه و خانواده، نقطه قوت یک مرد نظامی است و این همراهی در شرایط دشوار، روح زندگی مشترک این زوج را به تصویر می‌کشد.

■ **چگونه در طول تحقیق این کتاب، تعادل بین روایت زندگی یکن‌زن و نقش همسر نظامی‌اش را حفظ کردید تا هر دوه عنوان قهرمان داستان دیده شوند؟**

حفظ تعادل بین روایت زندگی فرحناز رسولی و نقش نظامی سعید قهاری از این جهت ممکن شد که هر دو مکمل یکدیگر بودند. سعید به عنوان فرمانده، با اطمینان از حمایت همسرش، می‌توانست با خیال راحت به وظایفش عمل کند. پشت پر مرد موفق، زنی است که او را حمایت می‌کند و در این کتاب، فرحناز رسولی نیمه پنهان موفقیت‌های سعید است. هر ۲ قهرمان این داستان هستند؛ سعید با درجه سردار و فرحناز با نقش همسر و مادری که وظایفشان را به بهترین شکل ایفا کرد.

بود. در آن فیلم روایتی از یک عملیات هیجان‌انگیز و جانانه سردار قهاری به نمایش درآمد و تنها بخش بسیار کوچکی از ابتدای فیلم به خانواده‌اش اختصاص داده شد اما حالا که همه فهمیده‌اند یک شخصیت مهم ولی کمتر شناخته‌شده به این نام وجود دارد، می‌توان روایت را از زاویه دیگری هم مد نظر قرار داد و به آن بسط بیشتری بخشید و کل این زندگی پر تلاطم اما هدفمند را مرور کرد. چه کسی برای این روایت می‌تواند بهتر از خاتم فرحناز رسولی، یعنی همسر آن شهید باشد؟ زنی که در همان اشاره کوتاه فیلم علی غفاری هم مشخص می‌شود سعید قهاری خودش را پیشمرگ او

در مصاحبه‌ها، نقش نظامی سعید از نگاه همسرش کمربند‌تر بود، زیرا اطلاعات نظامی بیشتر از دوستانش قابل دریافت بود. ما بر زندگی خانوادگی متمرکز شدیم؛ زمانی که سعید به خانه می‌آمد چه می‌گفت، چه سختی‌هایی را تعریف می‌کرد و فرحناز چگونه با چالش‌های زندگی، مانند بیماری فرزندان یا کمبودها مواجه می‌شد. این تعادل، هر ۲ را به عنوان قهرمانان زندگی مشترک‌شان برجسته کرد.

■ **نقش ایمان و اعتقادات مذهبی در زندگی فرحناز و سعید چگونه در کتاب بازتاب یافته و این عنصر چه تأثیری بر مخاطب امروزی می‌تواند داشته باشد؟**

ایمان و اعتقادات مذهبی در زندگی فرحناز و سعید ریشه‌ای عمیق داشت. جوانان دهه ۶۰ مانند این زوج، ویژگی‌های خاصی داشتند که شاید به نسل‌های امروزی متفاوت باشد، هر چند در مدافعان حرم نیز این روحیه دیده می‌شود. اعتقادات مذهبی آنها را وارداتش تا از راحتی‌های مادی بگذرند و زندگی جاهلانه‌ای را بپذیرند که پر از هجرت و چشم‌پوشی از رفاه بود. فرحناز که از خانوادمای متمول بود، می‌توانست زندگی راحت‌تری انتخاب کند اما به دلیل اعتقاداتش، سختی‌های همراهی با سعید را بپذیرفت. این ایمان که بر محور ولایت‌مداری و باورهای قرآنی شکل گرفته بود، زندگی آنها را معنا بخشید. برای مخاطب امروزی، بویژه جوانان، این روایت می‌تواند الگوسازی کند. خواندن این خاطرات نشان می‌دهد که چگونه ایمان می‌تواند به انتخاب‌های بزرگ و استقامت در برابر سختی‌ها منجر شود. نمونه‌اش عکسی از عروسی فرزند یکی از شهدا بود که با سادگی دهه هشتی برگزار شد و نشان‌دهنده تأثیر این فرهنگ بر نسل‌های بعدی است.

■ **چگونه فرهنگ صبر و استقامت زنان پشت جبهه را در زندگی فرحناز رسولی جست‌وجو می‌کردید؛ این ویژگی‌ها چه پیامی برای زنان امروز دارند؟**
صبر و استقامت فرحناز رسولی در خاطراتش به وضوح دیده می‌شود. او در مناطقی مانند جوازئود با کمبود امکانات و تهدیدات ضد انقلاب زندگی کرد. خاطراتی مانند مسمومیت فرزندی به دلیل خوردن موش کش به جای یفک یا کمک به مردم کرد در بمباران‌های سرودش و حلیجه، این استقامت را نشان می‌دهد. فرحناز حتی در فعالیت‌های پشت جبهه، مانند پخت نان یا همکاری با همسر امام جمعه جوازئود نقش فعالی داشت. این ویژگی‌ها در گفت‌وگوهای‌مان به شکل طبیعی بروز یافت. پیام این صبر برای زنان امروز این است که زناتی با چنین استقامتی وجود داشتند که زندگی را با همه سختی‌ها بپذیرفتند و همچنان به انتخاب‌شان پایبندند. وقتی از فرحناز پرسیدم آیا دوباره به سعید «بله» می‌گفت، او با اطمینان پاسخ مثبت داد. این نشان‌دهنده قدرت انتخاب و پایدینی به ارزش‌هاست که می‌تواند برای زنان امروز الهام‌بخش باشد.

■ **به نظر شما، چرا روایت‌های زندگی خانوادگی رزمندگان، مانند داستان سعید و فرحناز، برای جهانی شدن در ادبیات معاصر و معرفی فرهنگ ایرانی دارد؟**

روایت‌های زندگی خانوادگی رزمندگان، مانند سعید و فرحناز، از دل جامعه ایرانی برآمده‌اند و بیگانه نیستند. این افراد از همین خاک و فرهنگ‌اند، تر که لر یا بلوچ، همه ایرانی‌اند. این روایت‌ها به دلیل صداقت و اصالت‌شان به دل می‌نشینند. سعید و فرحناز مانند همسایه‌ها و هم‌محلی‌های ما زندگی عادی داشتند، آرزو داشتند و از آسمان لیامده بودند. این نزدیکی باعث می‌شود داستان‌شان هویت فرهنگی و ملی را تقویت کند. وقتی این خاطرات صادقانه روایت شوند، مانند گلی که بوی خودش را دارد، به مخاطب احساس تعلق و افتخار می‌دهند و نشان می‌دهند که چگونه ایرانیان در شرایط سخت، با مهربستگی و ایثار، هویت خود را حفظ کردند.

■ **با توجه به تجربه‌تان در حوزه دفاع مقدس، چگونه از تکراری شدن روایت‌های این حوزه در «هم‌سفر آتش و برف» جلوگیری کردید؟**

در حوزه دفاع مقدس ممکن است برخی روایت‌ها به دلیل

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۲۲ | تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۲ | نمابر: ۶۶۴۱۲۱۲۷ |
پيام‌سان: vatanemروز | پست الکترونیکی: info@vatanemروز.ir
چاپ: موسسه جام‌جم پرتز برنا | توزیع: نشر گستر امروز | ۶۱۹۳۳۰۰

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی



و امثال او قرار داده است. کتاب «هم‌سفر آتش و برف» به نویسندگی فرهاد خضری و با پژوهش فرزانه مردی، کوششی بوده برای ثبت این جزئیات پرماجرا به مناسبت رونمایی از تقریظ رهبر معظم انقلاب بسر این کتاب با فرزانه مردی، محقق کتاب هم‌سفر آتش و برف گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

شبهات‌های ظاهری تکراری به نظر برسند؛ مثلاً زندگی همسران رزمندگان که نابود همسر، مشکلات معیشتی یا بیماری فرزندان مواجه بودند اما هر زندگی جزئیات و ویژگی‌های خاص خود را دارد. در «هم‌سفر آتش و برف»، تمرکز بر زندگی فرحناز در غرب کشور، جایی که تهدید ضدانقلاب پررنگ بود، این روایت را متمایز کرد. کمتر کتابی به زندگی زناه همراه خانواده در مناطق غربی پرداخته است. این تفاوت، همراه با صداقت در روایت و برجسته کردن جزئیات منحصر‌به‌فرد، مانند گفت‌وگوهای خانوادگی یا چالش‌های خاص، از تکرار جلوگیری کرد. گاهی تکرار هم مفید است؛ یادآوری و تمرین ارزش‌های مشترک که مانند استقامت‌ت زنان، می‌تواند الهام‌بخش باشد.

■ **به عنوان محقق کتاب، چگونه با چالش بازنمایی احساسات پیچیده فرحناز، مانند ترس، عشق و صبوری در برابر تهدیدات روبه‌رو شدید؟**

به عنوان محقق، وظیفه‌ام ثبت حقیقت خالص و بدون روتوش بود. خوشبختانه فرحناز رسولی با صداقت کامل صحبت کرد و خودسانسوری نداشت. مثلاً در بمباران پاوله، وقتی خانه‌شان تخریب شد و شیشه‌ها به پای فرزندش فرو رفت، او ترس و اضطرابش را با جزئیات شرح داد؛ از لحظه‌ای که دستش را روی فرش می‌کشید و صدای فرزندش را می‌شنید اما او را نمی‌دید. این بیان روان و صادقانه، بازنمایی احساسات پیچیده‌اش را آسان کرد. من گاهی با پرسش‌های بیشتر یا یادآوری جزئیات، او را تشویق به توضیح دقیق‌تر می‌کردم تا این عواطف بخوبی در کتب منتقل شوند.

■ **فرهنگ ساده‌زیستی و قناعت در زندگی فرحناز و سعید چگونه به تصویر کشیده شده و این سبک زندگی چه پیامی برای جامعه مصرف‌گرای امروز دارد؟**

ساده‌زیستی فرحناز و سعید در مهاجرت‌های مکرر، زندگی با حداقل امکانات و شمر به‌زیه ساده فرحناز که با وجود خاندانی بودنش، تجملات را کنار گذاشت، به تصویر کشیده شده است. زندگی آنها در یک پیکان خاصه می‌شد و اسباب‌زیادی نداشتند. این سادگی در هجرت‌های مداوم‌شان از شهری به شهر دیگر نیز دیده می‌شود. پیام این سبک زندگی برای جامعه مصرف‌گرای امروز این است که می‌توان با قناعت و سبک‌بازی، همراه همسر بود و زندگی را با عشق و معنا پیش برد. این انتخاب به خواننده واگذاز شده که چگونه از این الگو برای زندگی خود الهام بگیرد.

■ **به نظر شما، روایت‌های زنانه مانند داستان فرحناز چه ظرفیت‌هایی برای جهانی شدن در ادبیات معاصر و معرفی فرهنگ ایرانی دارد؟**

روایت‌های زنانه مانند زندگی فرحناز، پتانسیل بالایی برای جهانی شدن دارد. زنان ایرانی، مانند فرحناز که یک دست‌گروهر و یک دست جهان را می‌چرخاند، نماد استقامت و مبارزه‌اند. فرحناز در شرایط جنگی، با بمباران‌ها و تهدیدات ضد انقلاب، نهنشها زندگی را اداره کرد، بلکه پس از شهادت همسرش، فرزندانش را سر و سامان داد. این صبر و مدیریت در سختی‌ها، الگویی جهانی است. چنین داستان‌هایی با هنر نویسندگی آقای خضری، قابلیت ترجمه و تبدیل به فیلم را دارد و می‌توانند فرهنگ ایرانی را به عنوان فرهنگی مقاوم و انسانی به جهان معرفی کنند.

■ **در بریده «کته سبیز» مینی‌نبار و بشین حرف بزینم»، سعید از فرحناز می‌خواهد به جای آشپزی، کنارش بنشیند و حرف بزنند. این لحظه را چگونه از میان پیوند عاطفی و اولویت‌های عاشقانه این‌س زن و زوج در یک زندگی پر مشغله جنگی بیرون کشیدید و چگونه آن را برای روایت شدن برجسته کردید؟**
این لحظه که سعید از فرحناز می‌خواهد کنارش بنشیند و گفت‌وگو کنند، نشان‌دهنده پیوند عاطفی عمیق این زوج در میان زندگی پر مشغله جنگی است. من به عنوان محقق وظیفه داشتم این جنبه خانوادگی و عاشقانه را نیز ثبت کنم. در مصاحبه‌ها، روی لحظات غیرجنگی و خانوادگی تمرکز کردم تا عشق و علاقه میان آنها روشن شود. فرحناز این خاطره را با جزئیات تعریف کرد

ضرورت جهش در شراکت راهبردی

گروه بریکس (BRICS)، بسترهایی را برای شکل‌دهی به یک نظم جهانی پیاسفری فراهم آورده است.

■ **با یک واقعیت نوین ژئوپلیتیک روبه‌رو هستیم؟**
شواهد موجود نشان می‌دهد تغییر سیاست خارجی روسیه و تعمیق روابط با ایران یک چرخش تاکتیکی و موقت نیست. ابعاد گسترده همکاری‌ها، از تولید مشترک تسلیحات پیشرفته گرفته تا سرمایه‌گذاری بر زیرساخت‌های استراتژیک مانند کریدور شمال – جنوب و تلاش برای ساخت یک نظم جهانی جایگزین، همگی گواهی بر یک تغییر بنیادین و بلندمدت است. این رابطه که از ضرورت‌های ناشی از یک بحران متولد شد اکنون در حال تبدیل شدن به یکی از ستون‌های اصلی نظم نوین جهانی است. فشارهای فزاینده آمریکا و متحدانش در منطقه غرب آسیا نیز بویژه پس از تلاش‌های گسترده برای تغییر نظم منطقه به نفع خود، ایران را بیش از پیش به سمت تحکیم این اتحاد راهبردی سوق می‌دهد. در نهایت، جنگ اوکراین بستری را فراهم آورد تا روابط تهران – مسکو از یک مشارکت عملی گرایانه به یک اتحاد استراتژیک عمیق بلندمدت ارتقا یابد. تعامل‌های جدید در زمینه نظم منطقه و جهان را برای سال‌های آینده تحت تأثیر قرار خواهد داد.

■ **فرصت آفرینی در میانه بحران**

برای استفاده عملی از این فرصت، ایران باید از همزمانی عضویت در نهادهایی مانند شانگهای و حضور در گفت‌وگوهای بریکس

و من با پرسش‌های دقیق، آن را پرنگ کردم. هنر آقای خضری در نگارش نیز این لحظه را به‌گونه‌ای برجسته کرد که در کتاب به‌خوبی دیده شود و خواننده، صمیمیت این رابطه را حس کند. ■ **در بریده «فقط یک ماسک»، سعید تنها یک ماسک شیمیایی برای فرحناز می‌آورد و این لحظه به آزمونی عاشقانه تبدیل می‌شود. این روایت چگونه فرهنگ ایثار و عشق متقابل این زوج را برجسته می‌کند و چگونه آن را برای مخاطب تأثیر گذار کردید؟**
در لحظه‌ای که سعید تنها یک ماسک شیمیایی برای فرحناز می‌آورد، عشق و ایثار این زوج به اوج می‌رسد. فرحناز نگران فرزندانش است و می‌پرسد: «پس بچه‌ها چه؟» این صحنه، عشق مادرانه و همسرانه او را نشان می‌دهد که زندگی‌اش را در گرو خانواده می‌بیند. سعید نیز با آوردن ماسک برای همسرش، اولویتش را نشان می‌دهد. این فرهنگ ایثار که مادران و پدران ایرانی خود را فدای خانواده می‌کنند، در این روایت متبلور است. من این خاطره را با دقت ثبت کردم و با پرسش‌های تکمیلی، جزئیات عاطفی آن را بیرون کشیدم تا برای مخاطب تأثیر گذار باشد. نگارش هنرمندانه کتاب نیز این لحظه را به تجربه‌ای عمیق برای خواننده تبدیل کرد.

■ **در بخش «قلب تکه‌تکه»، سعید از درد از دست دادن نیروهایش و خاطره یکی از آنها که تا لحظه آخر با او شوخی می‌کرد، سخن می‌گوید. این صحنه چگونه فرهنگ عاطفی و انسانی یک فرمانده نظامی را نشان می‌دهد و چرا این لحظه را برای بازنمایی شخصیت سعید انتخاب کردید؟**

این صحنه که سعید از دست دادن نیروهایش و خاطره شوخی یکی از آنها سخن می‌گوید، نشان‌دهنده عواطف عمیق و انسانی او به عنوان فرمانده است. سعید و امثال او انسان‌هایی عادی بودند که به دلیل شرایط جنگ اسلحه به دست گرفتند. آنها سرشار از عشق، امید و عاطفه بودند. سعید نیروهایش را نه فقط سرباز، بلکه مانند برادران و فرزندان خود می‌دید و برای حفظ جان‌شان تلاش می‌کرد. این خاطره که شبیه حالات شهید همت در نامه‌نگاری با بسیجی‌هاست، نشان‌دهنده قلب بزرگ او است. من این لحظه را به دلیل نشان دادن جنبه انسانی سعید انتخاب کردم، هرچند این تنها بخشی از شخصیت اوست. امیدوارم این روایت، همراه با خاطرات دیگران، پازل شخصیت سعید را کامل‌تر کند.



و رشد واقعی کریدور شمال – جنوب بهره‌برداری کند. افزایش سرمایه‌گذاری در بندرها، راه‌آهن و زیرساخت‌های لجستیک به منظور تبدیل شدن به هاب ترانزیت منطقه می‌تواند صادرات غیرنفتی و خدمات حمل‌ونقل را سرعت بخشد و درآمدهای ارزی جدید ایجاد کند. تحقق توافقی‌های تجاری و گسترش تولید ارزش افزوده در داخل (بویژه در بخش‌های پتروشیمی، فلزات و قطعات الکترونیک) همراه با بهره‌گیری از معافیت‌ها و قراردادهای ترجیحی مانند موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای، شانس ایران را برای جذب سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری افزایش می‌دهد؛ بویژه حالا که راه‌های تجاری جایگزین برای روسیه اهمیت یافته است. همزمان تهران باید تعمیق همکاری‌های فناورانه و دفاعی با مسکو را با مدیریت مخاطرات تحریمی و دیپلماسی متوازن همراه کند. هرگونه توسعه تولید مشترک با انتقال تکنولوژی باید از مسیرهای قراردادی شفاف، ساختارهای پولی جایگزین (استفاده از ارزهای ملی یا سیستم‌های تسویه غیر آمریکایی) و تنوع شرکای تجاری پیگیری شود تا وابستگی یکجانبه و هدف گرفتن بیشتر توسط تحریم‌ها جلوگیری شود. ضمن بهره‌گیری از بازار فناوری و ظرفیت‌های صنعتی روسیه برای ارتقای زنجیره تأمین داخلی، ایران باید جایگاه خود را در روابط بین‌الملل حفظ کند و از تبدیل شدن به مرکز تدارکات نظامی صرف که نمی‌تواند ایران را به یک بازیگر پایدار و پیچیده تبدیل کند، اجتناب داشته باشد.